

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نعمت الله مختار زاده
شهره اِسَن - المان

عزای طالب

از برم رفتی ، چرا ؟ ای طالب پشیمینه پوش
در عزایت ، (گلبدین) را جامه ماتم به دوش
رفتی و داغ ترا ، چون لاله ها دارد به دل
خارها روید ز (برهانیکه) آید در خروش
ساغر و پیمانه وحدت شکستی ، از جفا
پُر نموده ساغر وحشت زخون ، میگی بنوش
هم تمئن ، هم تدین ، هر دو را دادی به باد
میهن زیبای ما را ، پُر نمودی از وُخوش
قتل و غارت کردی و خوردی و ریدی در وطن
بهر (گلبدین) و (ربانی) ، چرا گفتی خموش
رهبران دین ، تخم طالبان را کشته اند
حلقه ها از دالر و دینار و پوند ، دارند بگوش
سازکی کردند و رفتند ، در دیار اجنبی
جمله بر طالب بگفتند ، شیر مادر ، دوش دوش
هم بدوشیدند و نوشیدند و چوشیدند و بعد
از عرب دستور آمد ، خون شان هم چوش چوش

نطفه طالب ، ز پاکستان و اعراب کثیف
خوی شان از گرگ و کفتار و پلنگ و ، کور موش
زان سبب از مرد و زن ، پیر و جوان هموطن
ریختندی خون و ، بر اعراب ، تن ها را فروش
گرچه عزرائیل کردی ، قبض روح طالبان
ترس ازان دارم ، که ابلیسی رسد ، جای سروش
امتحان سرمه آزموده ، میباشد چنان
همچو نوشادر که بالا ، در وجود هر چموش
گرشدم خارج ، ز چوکات ادب ، باشد بجا
کاسه های صبر پُر شد ، دیگ طاقت گشت جوش
« نعمتا » این نابکاران ، در چریدن تا به کی؟
کوجوانمردی که آرد ، زورگویان را به هوش